



کنگره موسیقی در تهران

کنگره موسیقی

تشکیل کنگره‌ای از موسیقی‌دانان برخی کشورهای شرق و غرب در تهران برای میادله نظر در پاره‌ای از مباحث موسیقی، مورد توجه محافل مختلف قرار گرفته است.

از قرار معلوم قسمتی از مصارف این کار را یونسکو متحمل میشود و دعوت‌هایی که برای افراد نمایندگان ممالک عضو یونسکو فرستاده شده بنام یونسکو بوده است.

از اینکه سازمان بین‌المللی یونسکو تا این درجه به مسائل مربوط به فرهنگ و تمدن کشورها و ملت‌های عضو خود توجه دارد و در فواصل مختلف از زمان پایه تشکیل کنگره یا سمینارها و مجلس یادبودها و انجمن‌های فرهنگی بین‌المللی همت می‌گمارد باید خرسند و قدرشناس بود.

اما این قدرشناسی را نمیتوان جدا از یک ملاحظه دقیق درباره کارهای عمومی آن سازمان ابراز داشت و آن کیفیت تقسیم مسائل و موارد سهمیه‌ای است که به کشورها از بابت شرکت در تشکیل اینگونه اجتماعات داده میشود.

در آذرماه سال ۱۳۲۸ به نمایندگی ایران در سمیناری شرکت جستم که از طرف یونسکو برای بحث در کیفیت تربیت اساسی سال‌مندان روستائی به میزبانی دولت‌هند در شهر میسور تشکیل شده بود.

چهار هفته مطالعه و مباحثه در چنان موضوع اساسی با سر نوشت زندگانی تازه کشور مستقل هند بستگی داشت و شرکت بیش از یکصد نفر کارمندان فنی برجسته دولت هند بطور مستمر و حضور متناوب صدها فرهنگی دیگر در جلسات عمومی و خصوصی سمینار برای ذوق و شوق و تجربه و استعداد فرهنگی آنیکه جهت مبارزه با بیسوادی عمومی آماده میشدند اثر بسیار دقیق و سزاواری داشت .

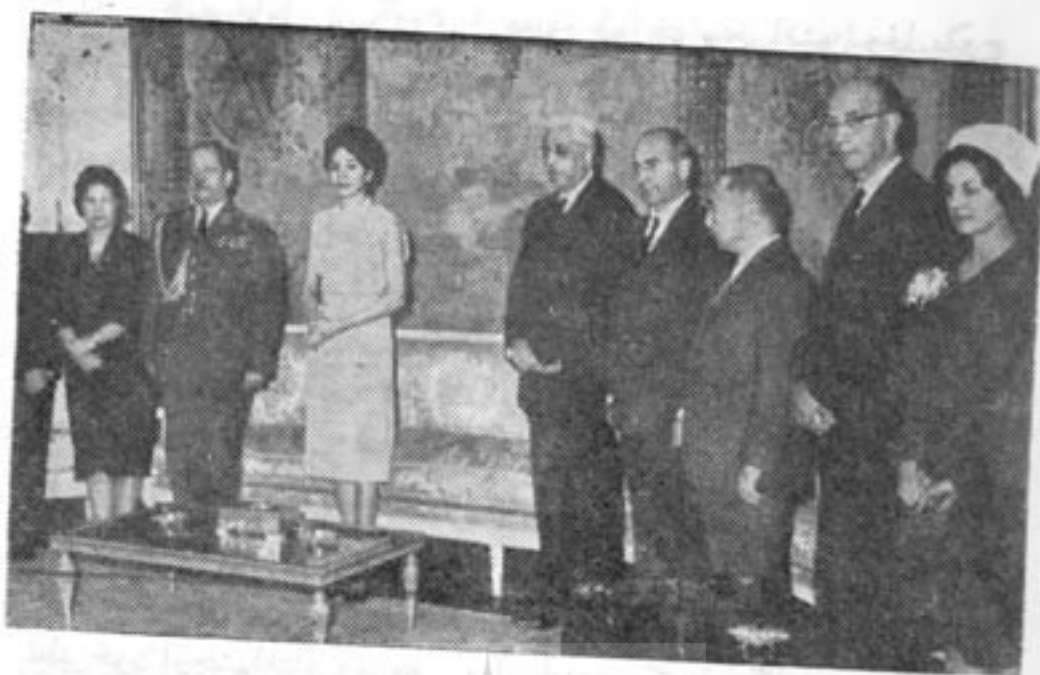
همین وظیفه را پنج سال بعد از آن در سمینار دیگری که برای تنظیم خدمات اجتماعی از طرف یونسکو در دمشق برای کشورهای منطقه مدیترانه شرقی و جنوبی بر پا شده بود بر عهده داشتیم و شاهد جریان فعالیتها و قوایدی بودم که از اینگونه اجتماعات عاید مملتها و کشورهای مربوط میشد .

متأسفانه یونسکو در قسمتهاییکه بیش از همه مورد نیاز مندی کشورها و ملت ماست هنوز ابتکاری بخرج نداده و يك سمینار یا کنگره ای مربوط به مبارزه با بیسوادی بزرگسالان یا تربیت اساسی نوباوگان و احیای صنایع محلی در جنب تربیت حرفه ای و تعلیم و تربیت روستائی مشترك برای خردسالان و بزرگسالان در ایران برپا نمیکرده تادستگاه فرسوده و زنگ زده فرهنگی کشور ما از تماس با نمایندگان و نمونه های پرداخته فرهنگ جدید جهانی برای انجام وظیفه ای که بر عهده دارد آماده تر شود .

برای اطلاع از مطالبات فرهنگی

بدیهی است این مضایقه یا مسامحه در زمینه های سودمند و مورد نیاز دلیل آن نمیشود که در سایر موارد کمالی نیز دست بابتکاری نزنند و مثلاً برای موسیقیدانان شرق و غرب مقدمه يك فستیوال موسیقی رادر شهر زیبای تهران فراهم نیاورده

اینکه یونسکو پیش از تشکیل چنین کنگره جهانی آمیخته از مظاهر مختلف موسیقی شرق و غرب و در یکی از کشورهای شرقی و بویژه ایران که مانند مرکز ارتباط تمدنهای شرق و غرب و شمال و جنوب آسیا محسوب میشود مقدمه ای اساسی و فنی برای يك چنین ارتباط فنی وسیعتری با تشکیل کنگره یا سمینار منطقه ای فراهم نکرده باز دلیل آن نمیشود که از مشارکت با ایران در انعقاد کنگره موسیقی



اعضاء مؤسس کمک به مستندان در حضور علیاحضرت
شهبانوی ایران

فروردین ۱۳۴۰ شانه تهی کند و سازندگان آماده شرکت در فستیوال موسیقی تهران را در انتظار زمینه سازی و مقدمه پردازی از افاضه و استفاضه بازدارد .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تنها ایرادی که نمیتوان از تقدیم آن خودداری کرد تعویق در اعلام یک چنین امر فنی مهمی تا قریب یکماه پیش از موعد قطعی تشکیل آن بوده است که این تأخیر به نفع مستندان و موسیقی شناسان کشور ما فرصت خود آرای و خود پردازی برای شرکت در چنین امر مهمی را نمیدهد .

این نکته مورد قبول همه کسانی است که با فرهنگ و تمدن ایران کم و بیش ارتباطی دارند و درسی سال گذشته در حوزه های فرهنگی و هنری مغرب زمین نیز پذیرفته شده است که موسیقی ملی ایران زمینه و شالوده علمی دارد و در مدت هزار و پانصد سال یعنی از زمان ساسانیان تا دوره رنسانس تمدن قدیم در اروپا عالیترین مظهر فوق و هنر بشری محسوب میشده است .

هیچ عامل زیان آوری از هجوم طوایف صحرائین و غلبه روح تعصب و مبارزه مشترک عوام و عوام فریب نتوانست در طی قرنهای متوالی در ارکان این هنر شکست اساسی وارد آورد و برای حفظ حیات و تضمین بقای خویش از خائفان درویشان گرفته تا خرگاه ایلخانان و درگاه شهریاران همه جا برای خود جا تهیه میکرد و وقتی مانند فارابی و ابن سینا و صفی الدین و قطب الدین پشتیبانی بدست نمیآورد در حلقه ذکر عرفا پا مینهاد و مرید و مراد را با آهنگ نی و طنبور و رباب برقص سماع دره یا آورد و برای گریز از تحریک غضب و حمله صد ر و شیخ الاسلام بحوزه روضه خوانان قدم میگذاشت و از حنجره جانسوز ذاکران و نوحه خوانان شورها پیام میکرد .

تنها از روزی که پای تمدن فرنگی بایران باز شد هر چه بنظر کوته نظران، ایرانی و بومی و اصیل میآمد در برابر مظاهر غربی نظیر خود از چشم افتاد و مردمی میاندار معرکه زندگانی عصر شدند که نه زنگی زنگ مانند لومومبا بودند و نه رومی روم مانند موسولینی آری در این موقع بود که موسیقی و معماری و صنایع کشور ما مانند علوم و فنون سیر نزولی پیدا کرد .

میانداران تمدن غربی در ایران نه در پی گوهر اصیل و تمدن غربی رفتند که سالهاست اعتبار جهان باختری بدان بود و نه از سرمایه اصلی بوم و قوم خود بهره ای داشتند که به اعتبار آن بتوانند عرض وجود مستقلی کنند .

زنگار جامع علوم انسانی

من هر وقت مقاله موسیقی ایران را در دایرة المعارف موسیقی لاوینیاک میخوانم و آنرا با مقاله موسیقی ترک بقلم مرحوم رؤف یکتا مقایسه میکنم به حال بی نصیبی و ستم دیدگی ملک و ملت خود متأثر میشوم که حلقه ارتباط او با جهان پهناور غربی مثنی عوام بیخبر از راه و رسم زندگی قدیم و بی اطلاع از مدارج علم و کمال پیشین ملت بوده اند .

صحیح است که موسیقی ایران از قرن یازدهم هجری به بعد متدرجاً جنبه عملی آن بر جنبه علمی غلبه کرده و استادان این فن که در درگاه شاه صفی و شاه عباس ثانی و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین راه داشتند

دیگر به‌مبانی فنی‌خواجه عبدالقادر مراغه‌ای و ملاقطب شیرازی و صفی‌الدین ارموی و مطالعه آثار علمی آنها کاری نداشتند و از راه قدرت‌نمایی در زدن و نواختن و سرودن و خواندن سرشناس میشدند با وجود این هنوز اصطلاحات فنی جای خود را در سلسله معارف آن عصر کم نکرده بود و محمد مؤمن مصنف و امیرخان داروغه ارباب طرب‌در عهد سلاطین صفوی در عین شناختن ادوار و ضربهای فنی تصنیفهای معروف خود را بنام شاه‌عباس و شاه‌صفی و شاه‌سلطان‌حسین به‌مرحله عمل در می‌آوردند.

تصنیف فتح‌قندهار محمد مؤمن منصف که خوشبختانه از دسترس نابودی نجات یافته و با مقرداری از تصنیفهای دیگر محمد مؤمن و امیرخان غلام‌شاه سلطان‌حسین برای مایادگار مانده است و مهارت و قدرت فنی رامشگران و خنیاگران عهد صفوی را نشان میدهد.

متأسفانه موسیقی‌شناسان معاصر کشور ما پیش از تشکیل این کنگره فرصت آنرا نیافته‌اند که در اساس کار موسیقی حاضر کشور خود یک مطالعه کلی عمومی در ضمن یک سمینار داخلی انجام بدهند و نتیجه کار آن سمینار داخلی را بصورت یک رشته مباحث فنی و موارد عملی در آورند که هنگام برخورد با هنرمندان بیگانه بتوانند اهمیت واقعی هنر باستانی کشور خود را بنحوشایسته‌ای بر هنر دوستان خارجی عرضه دارند.

علاوه بر این یک مقدمه دیگری هم برای انعقاد چنین کنگره‌ای ضرورت داشت که متأسفانه ضیق مجال یا عدم توجه یونسکو به میزان فایده آن از تقدیم آن شانه خالی شد و آن انعقاد یک سمینار مقدماتی یا کنگره موسیقی در کشورهایی بوده که مایه موسیقی آنها از ریشه موسیقی ایران گرفته شده و بعداً در محیط زندگانی رونق و پیشرفت خاصی پیدا کرده است.

موسیقی ملل عرب و ترک و هند که بامبانی فنی موسیقی کشور ارتباط نزدیکی دارد با موسیقی افغان و تاجیک و ترکمان و ازبک و موسیقی قفقاز که در حقیقت شاخه‌هایی از ریشه موسیقی ایران شناخته

شده‌اند در اثر مایه‌گیری از محیط زندگانی مخصوص خود کیفیت‌ها و خصوصیت‌هایی پیدا کرده که بحث درباره تحول آنها پیش از آنکه موسیقی ایران بر موسیقی شناسان غربی عرضه شود فواید بسیاری می‌توانست عاید کنگره بکند.

در هندوستان از امتزاج موسیقی هندی و ایرانی در دربار پادشاهان بیجاپور یک موسیقی مختلطی بوجود آمد که در نواحی غربی هند هنوز نتیجه و دنباله آن متداول است.

در ترکیه که مدت سیصد سال از مایه‌های اصیل ایرانی بوسیله هنرمندان مهاجر و مسافر استفاده میشد و خانقاه‌های مولویه همواره این روح ارتباط را تقویت میکرد امروز یک قسم موسیقی بومی پرمایه‌ای متداول است که مورد علاقه مخصوص ملت ترك میباشد و روز بروز با اقتباس از مایه‌های متناسب شرقی و غربی غنی‌تر میشود.

موسیقی ملل عرب که از راه موسیقی ترك با موسیقی ایران رابطه اساسی جدید پیدا کرده در لبنان و دمشق و قاهره توسعه و قدرت بی نظیری بدست آورده است که مطالعه در کیفیت تحول آن برای اقتباس و غنی کردن موسیقی خالی از سود نخواهد بود.

این اقدام اخیر یونسکو قضا در شرایط و احوالی انجام می‌پذیرد که شاید نمایندگان هنر خویشاوند موسیقی ما در جلسات این کنگره مجال حضور بدست نیاورند و همان‌طور که برای هنرمندان داخلی مجال خود آرای و آمادگی جهت شرکت در مباحث فنی کنگره پیدا نمیشود از هنرمندان کشورهای آسیائی و افریقائی که موسیقی آنها با موسیقی کشور ما هم مایه است نیز امکان حضور برای عده بیشتری پیدا نشود و این کنگره در یک مقیاس محدود پرتوافکنی هنر غرب و کسب لذت و روشنی و گرمی جان ما محصور بماند.

با وجود این امید موقفیت بیشتری برای هنرمندان ایران که توفیق شرکت در کنگره رایافته‌اند با آرزوی رضای خاطر کسانی که زحمت اداره این کار را بر عهده گرفته‌اند داریم و یقین داریم با آنچه گفته شد تشکیل کنگره کاری بجا و سودمند خواهد بود.

محیط طباطبائی